

# دکتر گری یتس، ارمیا، سخنرانی ۹، ارمیا ۲، اختلاف خداوند با اسرائیل

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری یتس در دوره آموزشی‌اش در مورد ارمیا است. این جلسه ۹، ارمیا ۲، اختلاف خداوند با اسرائیل است.

در جلسات اخیرمان، به ارمیا ۱ و ارمیا ۲ پرداخته‌ایم. من معتقدم که اینها فصل‌های سازنده‌ای برای کل کتاب ارمیا، ۵۲ فصل، هستند.

اما اگر درک خوبی از آنچه اینجا است داشته باشیم، با همان مشکل مواجه می‌شویم. او، متاسفم. بگذار من، باشه؟ باشه. باشه. من خوبم. باشه. همه چیز خوب است. باشه.

در بخش‌های قبلی، زمانی را به بررسی ارمیا ۱ و ۲ اختصاص دادیم و من معتقدم که اینها فصل‌های سازنده‌ای برای مطالعه ما از کتاب ارمیا هستند. ارمیا ۱ و دعوت پیامبر در واقع مضامینی را معرفی می‌کنند که قرار است در طول کتاب ادامه پیدا کنند. سپس پیام آغازین ارمیا، فصل ۲، آیه ۱، تا فصل ۴، آیه ۴ را داریم. این پیام آغازین، طرح کلی کتاب را معرفی می‌کند.

یهودا همسر بی‌وفای خداست. داستان‌های زندگی ارمیا، روایت‌ها، خطبه‌ها، اشعار، نثر - همه اینها ما را در جریان داستان پیچیده‌ای قرار می‌دهند که چگونه خداوند قوم خود را از تبعید بیرون می‌آورد و سپس در نهایت آنها را احیا می‌کند و این رابطه شکسته را ترمیم می‌کند. ما به استعاره و تصویر، تصویر اسرائیل به عنوان همسر بی‌وفای خدا، و اینکه این موضوع چقدر برای کتاب مهم است، نگاه کردیم.

باز هم، پیامبران به یاد دارند که در درجه اول با احساسات ما صحبت می‌کنند، نه فقط برای آگاه کردن ما از حقایق. آنها می‌خواهند ما پیام را حس کنیم. آنها می‌خواهند ما درد، خشم و خیانتی را که خداوند احساس می‌کند، حس کنیم.

آنها می‌خواهند ما همچنین فساد گناهان اسرائیل و اهمیت خیانت آنها به خداوند را درک کنیم. حال، در کنار استعاره و تصاویر، که پیامبران در آنها بسیار مؤثر هستند، یکی دیگر از چیزهایی که هنگام مطالعه پیامبران به من کمک کرده است، درک بهتر ژانرهای ادبی است که در آثار پیامبران، قالب‌های ادبی و روش‌های انتقال پیام آنها ظاهر می‌شود. و ما قصد داریم در فصل ۲ به برخی از آنها نگاهی بیندازیم.

اما هر روز که روزنامه صبح ما از راه می‌رسد، چه آن را آنلاین جستجو کنیم و چه نسخه چاپی آن را بخوانیم، در واقع در حال تمرین نقد ژانر هستیم زیرا قالب‌های ادبی موجود در روزنامه را درک می‌کنیم. وقتی تیتري می‌بینم که می‌گوید شیرها به سینسیناتی حمله کردند، متوجه می‌شوم که نیازی نیست در اوهایو با پلیس تماس بگیرم تا در این مورد به آنها هشدار دهم. این یک تیتري ورزشی است.

اگر من یک خوره فیلم یا معتاد تلویزیون باشم، می‌دانم چگونه فهرست فیلم‌ها یا راهنمای تلویزیون را بخوانم و در این کار مهارت دارم زیرا این چیزی است که برای من مهم است. اگر در وسط روزنامه مطلبی ببینم که می‌گوید سیاست‌های رئیس جمهور شکست خورده است، می‌فهمم که این یک نظر است. این یک سرمقاله است و ممکن است دقیق باشد یا نباشد، اما می‌توانم روزنامه را به شیوه‌ای آگاهانه و حساس بخوانم زیرا قالب‌های ادبی و ژانرها، روش‌هایی که نویسندگان آن روزنامه پیام خود را منتقل می‌کنند، درک می‌کنم.

به همین ترتیب، اگر قالب‌های ادبی پیامبران را درک کنیم، می‌توانیم بفهمیم که آنها چگونه پیام خود را منتقل می‌کنند. به عنوان یک معلم، به عنوان یک کشیش، درک ژانرهای ادبی اغلب برای من طرح کلی متن و روشی را که می‌خواهم هنگام آموزش آن به دیگران، آن را تجزیه و تحلیل کنم، فراهم می‌کند. اما یک قالب ادبی، یک ژانر ادبی به ما کمک می‌کند تا بدانیم هنگام ورود به یک متن چه انتظاری داشته باشیم.

همچنین به انتقال آنچه نویسنده سعی در بیان آن دارد کمک می‌کند. حال، کسانی که پیامبران را مطالعه کرده‌اند و محققانی که این کار را انجام داده‌اند، اساساً ژانرهای پیامبران را به دو دسته تقسیم می‌کنند. ژانرهای داوری و ژانرهای مرتبط با رستگاری، دو جنبه از پیام آنها هستند.

اساسی‌ترین نطق قضاوت نبوی، به سادگی به عنوان وحی قضاوت شناخته می‌شود. نطق قضاوت در انبیا شامل دو عنصر اصلی است. یک اتهام و یک اعلام وجود دارد.

اتهام، فهرست مشخصی از جنایاتی که اسرائیل مرتکب شده است، گناهایی که هدف سخنرانی داوری علیه خدا مرتکب شده است. بنابراین، این اعلامیه، که اغلب توسط لوکن معرفی می‌شود، کاری است که خدا قرار است انجام دهد. کارهای مشخصی که خدا برای مجازات آنها به خاطر گناهشان انجام خواهد داد.

بنابراین، ما آشکارا در باب دوم ارمیا با ژانری از سخنرانی داوری مواجه هستیم. یهودا همسر بی‌وفای خداوند بوده است. بنابراین، در نتیجه این، در اینجا داوری‌هایی که او علیه آنها انجام داده است تا توجه آنها را جلب کند، آمده است.

اینها داوری‌هایی هستند که اگر آنها توجه نکنند، او در آینده علیه آنها خواهد کرد. حال، انبیا می‌توانند آن سخنرانی داوری اساسی را گرفته و آن را به چندین روش توسعه دهند. برخی از انبیا کلمه وای را به ابتدای سخنرانی داوری اضافه می‌کنند.

کلمه عبری اوی است و در کینگ جیمز به وای ترجمه شده است. این یک دختر است. کتاب مقدس آنلاین این پیشگویی‌ها را ترجمه خواهد کرد.

اسرائیل به معنای مرده است. و دلیل آن این است که کلمه وای، با مرگ و مراسم تشییع جنازه مرتبط است. وقتی شخصی فوت می‌کند، اغلب در سوگ کسی که از او باقی مانده بود، می‌گفتند: «افسوس «یا» وای بر این شخص «و غم و اندوه خود را از مرگ ابراز می‌کردند».

وقتی ارمیا مرگ یهو یاقیم را اعلام می‌کند، یکی از چیزهایی که می‌گوید این است که کسی نخواهد بود که برای یهو یاقیم اعلام مصیبت کند. آنها از مرگ این مرد خوشحال خواهند شد. بنابراین، وقتی یک پیامبر سخنرانی داوری خود را با گفتن «وای «به مردم آغاز کرد، در واقع داشت از مراسم تشییع جنازه قریب‌الوقوع آنها خبر می‌داد.

در واقع، او به آنها می‌گفت که اگر اسرائیل راه خود را تغییر ندهد، تقریباً مرده است. و می‌توانید تصور کنید که شبی خوابی ببینید که در یک مراسم تشییع جنازه هستید. می‌خواهید ببینید چه کسی در تابوت است. او کیست؟ به جلو می‌روید و تصویر خودتان را آنجا می‌بینید.

انبیا، به یک معنا، اسرائیل را به تشییع جنازه خودشان فرا می‌خواندند و به آنها یادآوری می‌کردند که اگر راه خود را تغییر ندهید، این اتفاقی است که برای شما خواهد افتاد. حال، نوع دیگری از سخنرانی داوری نبوی که فکر می‌کنم قطعاً در اینجا در ارمیا فصل دوم می‌بینیم، و چندین مورد از این ژانرها در این فصل با هم ترکیب

می‌شوند، و ما شاهد یک دعوی عهد هستیم. در ارمیا فصل دوم، آیه نهم، خداوند می‌گوید، بنابراین من هنوز با شما بحث می‌کنم، خداوند اعلام می‌کند.

است که به معنای اختلاف یا پرونده است. و rive کلمه عبری ESV در «conflict» و بنابراین، کلمه. بنابراین، آنچه می‌توانیم تصور کنیم این است که پیامبر مردم را به دادگاه می‌آورد. پیامبر دادستان است.

خداوند قاضی است. مردم متهم هستند و به نوعی از طریق یک محاکمه کیفری در حال تلاش برای حل و فصل این پرونده‌ها هستند. و در این دعاوی مربوط به میثاق، چندین اتفاق قرار است رخ دهد.

بارها، پیامبر شاهدان را به دادگاه فرا می‌خواند. در اشعیا آمده است: «ای آسمان‌ها بشنو و ای زمین گوش فرا ده.» اینجا یک دادگاه رسمی برپاست، بیایید شاهدان را بیاوریم و ببینیم که اسرائیل چگونه عمل می‌کند.

این تمرینی از رابطه گذشته بین خدا و اسرائیل است. و در ارمیا فصل دوم، آیه پنجم، خداوند خواهد گفت، پدران شما چه خطایی در من یافتند که اینقدر از من دور شدند؟ این تمرینی از عهد گذشته است. وفاداری خداوند در تضاد با بی‌وفایی قوم بود.

در اشعیا ۱، خداوند می‌گوید، من فرزندان را بزرگ کرده‌ام. من فرزندان را بزرگ کرده‌ام، اما آنها علیه من، شورش کرده‌اند. و بنابراین، همانطور که تاریخ قوم خدا و عهد آنها با خداوند، همانطور که بازگو می‌شود، یادآوری وفاداری خدا به بی‌وفایی مردم است.

فهرست مشخصی از جنایاتی که آنها مرتکب شده‌اند، دوباره، اتهام، کیفرخواست در جلسه محاکمه مطرح می‌شود. و سپس خداوند سرانجام حکم را صادر می‌کند. و این یا یک داوری خواهد بود یا فراخوانی برای اسرائیل تا راه خود را تغییر دهد و قبل از اینکه داوری بر آنها نازل شود، توبه کند.

خب، از شما می‌خواهم که صحنه‌ی دادگاهی را تصور کنید که در آن وارد دادگاه می‌شوید. و من فقط یک بار مجبور شدم این کار را انجام دهم که در آن متهم بودم. و من درگیر یک تصادف رانندگی شدم و در جاده‌ی ایالتی ۶۶۶ اتفاق افتاد.

بنابراین، ممکن است این موضوع اهمیت خاصی داشته باشد، اما من توسط پلیس ایالتی به دلیل رانندگی در جهت خلاف جاده متهم شدم. و دلیل آن این است که من در جهت خلاف جاده رانندگی می‌کردم. و مجبور بروم. شدم به دادگاه بروم.

مجبور بودم به قاضی جواب بدهم. کار ترسناکی است. اما تصور کنید رفتن به دادگاه و روبرو شدن با خدا به عنوان قاضی چه حسی دارد.

به یک معنا، این همان کاری است که ارمیا ۲ با مردم می‌کند. خدا آنها را به دادگاه می‌آورد. و من چیز زیادی در مورد مراحل قانونی نمی‌دانم.

من به دانشکده حقوق نرفته‌ام، اما می‌دانم وقتی قاضی و متهم یا قاضی و دادستان در یک تیم هستند، در حالی که دادستان برای قاضی کار می‌کند، متهم به دردسر بزرگی می‌افتد. و بنابراین، به یک معنا، ما این صحنه دادگاه را در ارمیا فصل ۲ داریم، جایی که پیامبر رسماً آنها را به خاطر نافرمانی از خداوند متهم می‌کند. بعداً در این فصل، خداوند به مردم خواهد گفت، چرا با من بحث می‌کنید؟ و بنابراین، خداوند آنها را به دادگاه می‌آورد.

خداوند علیه آنها تاج گل دارد، اما مردم اعتراض می‌کنند و می‌گویند که آنها علیه خداوند تاج گل دارند. حال یک ژانر نبوی دیگر مربوط به پیام داوری این است که من معتقدم در ارمیا فصل ۲ نیز داریم، یک مناظره و بدیهی است که هر زمان که وارد دادگاه می‌شویم، تلاش برای اثبات این موضوع ادامه خواهد داشت.

و بنابراین، خداوند از پیامبر برای اثبات ادعای خود و متقاعد کردن مردم به گناهکار بودنشان استفاده می‌کند. من معتقدم که نمونه خوبی از یک مناظره نبوی برای ما در حزقیال فصل ۱۸ یافت می‌شود. ضرب‌المثلی وجود دارد که مردم در زمان داوری برای توضیح وضعیت خود از آن استفاده می‌کردند.

و می‌گویند پدران انگور ترش خورده‌اند، اما این فرزندان هستند که دندان‌هایشان تیز شده است. به عبارت دیگر، منظور آن ضرب‌المثل این است که پدران ما میوه ترش خورده‌اند، اما طعم تلخ و سوزش دندان‌هایمان را ما تجربه می‌کنیم. پدران ما مرتکب گناه شده‌اند.

آنها عهد را شکستند و ما عواقب آن را تجربه می‌کنیم. بنابراین، کاری که پیامبر در بحبوحه آن موقعیت باید انجام دهد این است که آنها را متقاعد کند که درک آنها از این موقعیت کاملاً اشتباه است. و پیامبر آنها را از طریق چندین سناریو پیش می‌برد که در آنها برایشان توضیح می‌دهد، یک پدر شرور، پسر درستکار را مجازات نمی‌کند.

یا یک پدر درستکار نمی‌تواند پسری شرور را از عذاب خدا نجات دهد. و در نهایت اینکه بگوییم، پدران شما شرور بودند، و شما نیز همینطور. و در نهایت به همین دلیل است که شما گناه می‌کنید.

و او آن ضرب‌المثل را که می‌گوید پدران انگور ترش می‌خورند، دندان‌های فرزندان تیز می‌شود، برمی‌دارد. و در عوض، می‌گوید که مرگ یا زندگی یک مرد بر اساس رفتار و اعمال خودش است. این یعنی گرفتن پیامی که مردم با آن مخالفند و در نهایت متقاعد کردن آنها به اینکه پیامبر درست می‌گوید.

و در فصل دوم ارمیا، قطعاً شاهد یک مشاجره هستیم زیرا خداوند می‌گوید، اسرائیل، یهودا عروس بی‌وفایی بوده است. آنها مرتکب خیانت‌های بی‌درپی علیه خداوند شده‌اند. و مردم بازخواهند گشت و خواهند گفت، چگونه ما علیه خداوند گناه کرده‌ایم؟ کتاب نبوی ملاکی پیرامون مجموعه‌ای از مشاجرات بین خدا و مردم بنا شده است.

و خداوند خواهد گفت، من اسرائیل را دوست داشته‌ام. و مردم پاسخ خواهند داد، تو چگونه ما را دوست داشته‌ای؟ بنابراین، پیامبر خواهد گفت، اسرائیل، یهودا همسری بی‌وفا است. و مردم خواهند گفت، ما چگونه همسری بی‌وفا هستیم؟ ارمیا فصل دوم سعی خواهد کرد این را توضیح دهد و مردم را با استدلال پیامبر متقاعد کند.

وقتی به یک مناظره فکر می‌کنم، گاهی اوقات تصور می‌کنم که هنگام آماده کردن یک موعظه چه کار می‌کنم. اگر در حال موعظه در مورد یک موضوع دشوار یا یک مسئله بحث‌برانگیز باشم، سه یا چهار نفر را تصور می‌کنم که در میان مخاطبانم نشسته‌اند. و اینجا در سمت راست، یک شکاک سرسخت وجود دارد که قرار نیست حرف‌های من را باور کند.

یا شاید اینجا، به یکی از اعضای خانواده‌ام فکر می‌کنم که با چیزی دست و پنجه نرم می‌کرد، و آنها خواهند گفت، اما بله، در مورد این چی؟ یا در مورد آن چی؟ و برای اینکه واقعاً در موعظه خود مؤثر باشیم، گاهی اوقات باید پیش‌بینی کنیم که مردم چگونه به آنچه می‌گوییم اعتراض خواهند کرد. بنابراین، پیامبر وارد می‌شود و به یهودا می‌گوید، تو یک همسر بی‌وفا هستی. و علاوه بر آن، تو خودت را روسپی کرده‌ای.

تو مرتکب زنا شده‌ای. پاهایت را دراز کرده‌ای و خودت را زیر هر تپه سرسبز و بر هر نقطه مرتفع شهر تبلیغ کرده‌ای. احتمال زیادی وجود دارد که مردم به شدت پذیرای این پیام نباشند.

به این موضوع در عهد جدید نیز فکر کنید. در یعقوب فصل چهارم، آیات هشت و نه، به پیامی که یعقوب به مسیحیان می‌دهد گوش دهید. این در متن عهد جدید است.

به خدا نزدیک شوید و او نیز به شما نزدیک خواهد شد. ای گناهکاران، دست‌های خود را پاک کنید و ای دودلان، دل‌های خود را پاک کنید. بدبخت باشید، ماتم بگیرید و گریه کنید.

و ممکن است بگوییم، آیا او با ما صحبت می‌کند؟ بنابراین، می‌توانم تصور کنم که اگر صبح یکشنبه، شما مردم خود را در برابر خداوند روسپی کرده باشید. ممکن است جماعت من این را خیلی خوب نپذیرند. در واقع، من در یک کنفرانس دانشگاهی در مورد تصاویر نبوی و کل این ایده که اسرائیل یک روسپی بی‌وفا است، سخنرانی می‌کردم.

و یکی از اساتید آنجا گفت، به نظر شما چرا کشیشان امروزی وقتی با مردم صحبت می‌کنند از این نوع تصاویر استفاده نمی‌کنند؟ من پاسخ علمی خوبی نداشتم. پاسخ عملی من به عنوان یک کشیش این بود که آنها می‌خواهند شغل خود را حفظ کنند. بنابراین، مردم به شدت از متهم شدن به فحشا و محکومیت و زندانی شدن استقبال نخواهند کرد.

زمان‌هایی خواهد بود که پیامبران، شهر اورشلیم را با سدوم و عموره، که شهرهای شرارت‌بار نهایی در عهد عتیق هستند، مقایسه خواهند کرد. و می‌توانم تصور کنم که آنها به شدت پذیرای آن پیام نبودند. عاموس نبی، در صحبت با زنان ثروتمند سامره، از آنها به عنوان گاوهای چاق باشان یاد می‌کند.

و او شجاعت داشت، چون من هرگز چنین چیزی را صبح یکشنبه نمی‌گویم. اما چگونه می‌توان مردم را در مورد چیزهایی که نمی‌خواستند بشنوند، متقاعد کرد؟ بنابراین، در فصل دوم ارمیا، بیابید به عناصر یک دعوی و مناقشه عهدی نگاهی بیندازیم. پیامبر برای متقاعد کردن مردم مبنی بر گناهکار بودنشان چه می‌کند؟ همانطور که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم، یکی از کارهایی که پیامبر انجام می‌دهد این است که از استعاره و کنایه به طور گسترده استفاده می‌کند.

ما در جلسه قبلی به چندین مورد از آنها پرداختیم. نمی‌خواهم دوباره به همه آنها بپردازم، اما اجازه دهید برخی از مواردی را که ممکن است به طور خلاصه به آنها اشاره کرده باشیم، به شما یادآوری کنم. در فصل دوم، آیه سوم، از اسرائیل به عنوان اولین میوه خدا یاد شده است.

آنها به او تعلق داشتند و به او وفادار بودند. وقتی آنها در قید حیات بودند، خدا از آنها محافظت می‌کرد و مراقبشان بود. هیچ کس اجازه نداشت از اولین میوه‌های خدا بخورد یا آنها را بلعد.

وقتی از او روی گرداندند، خدا این لشکرهای دشمن را فرستاد تا آنها را بلعد. فصل دوم، آیه ۲۴، آنها مانند الاغ وحشی در دوران جفت‌گیری هستند. آنها خود را با بت‌پرستی‌شان خوار و ذلیل کرده‌اند.

فصل دوم، آیه ۳۴، آنها پوشیده از لکه‌های خون هستند. فصل دوم، آیات ۲۰ و ۳۳، تصویر یک فاحشه که قبلاً در مورد آن زیاد صحبت کرده‌ایم. ایده اینکه اسرائیل یک حیوان در حال جفت‌گیری است، چیزی است که به فصل پنجم، آیات هشت و نه نیز منتقل خواهد شد.

پیامبر مردم آنجا را توصیف می‌کند، آنها اسب‌های نر تنومند و سیری بودند که هر کدام به نام همسر همسایه خود نامگذاری شده بودند. آیا نباید آنها را به خاطر این چیزها مجازات کنم، خداوند می‌گوید بنابراین، در اینجا قوم برگزیده خدا اساساً به عنوان حیواناتی توصیف می‌شوند که عقل خود را از دست داده‌اند و کاملاً در شهوات خود غرق شده‌اند.

باز هم، یکی از تصاویر و استعاره‌هایی که در باب دوم ارمیا بیش از همه برای من برجسته است، همان است که در آیه ۱۳ آمده است. فکر می‌کنم این یکی از آیات کلیدی است که می‌خواهم همه در مورد ارمیا به خاطر داشته باشند. در این آیه آمده است که قوم من مرتکب دو گناه شده‌اند

آنها مرا که چشمه‌ی آب حیاتم، ترک کرده‌اند. خدا آب حیات می‌دهد. او می‌تواند روح شما را سیراب کند

او می‌تواند نیازهای شما را برآورده کند. او می‌تواند امنیتی را که به دنبالش هستید فراهم کند، اما آنها برای خود مخازنی کنده‌اند که شکسته و نمی‌توانند آب را در خود نگه دارند. ما در جلسه دیگری به طور خلاصه به این موضوع پرداختیم، اما از ماه مه تا سپتامبر در سرزمین اسرائیل، باران بسیار کمی می‌بارد.

فصل خشک است و آنها به مخازنی در زمین نیاز دارند که آب را تأمین کند. گاهی اوقات از سازندهای سنگی، طبیعی استفاده می‌کنند، اما با گذشت زمان این مخازن اغلب ترک می‌خورند و آب نشت می‌کند. بنابراین تصور کنید که ماه‌ها بدون باران بگذرد و سپس منبع آب خود را از دست بدهید.

بت‌پرستی یعنی همین. اعتماد به هر چیزی غیر از خدا برای مراقبت از شما و رفع نیازهایتان و کمک به شما در درک زندگی. این یک مخزن ترک خورده است.

و در این استعاره از ازدواج و خیانت و بی‌وفایی، خداوند و پیامبر در فصل دوم حتی اتحادها و ائتلاف‌های نظامی که با سایر ملت‌ها ایجاد کرده‌اند را مقایسه می‌کنند. خداوند این را با زنا نیز مقایسه می‌کند. و شما می‌گویید، خب، این فقط سیاست است.

این فقط چیزهای دنیای واقعی است. شما با هم پیمان می‌بندید و ارتش خود را به این ارتش ملحق می‌کنید اما از دیدگاه خداوند، اسرائیل با پیوستن به این اتحادها، مرتکب زنا با این ملت‌های دیگر می‌شد، زیرا آنها از حق انحصاری خداوند به عنوان پادشاه خود برای محافظت از خود، صرف نظر می‌کردند.

و آنها در نهایت در فرآیند اتحاد با این ملت‌های دیگر قرار گرفتند و به آن ملت‌ها، به خدایانشان که منحصراً متعلق به خدا هستند، وفاداری نشان دادند. وقتی آحاز، در اوایل تاریخ یهودا، با آشور اتحاد برقرار کرد، گفته می‌شود که او از اعمال عبادی آشوریان تقلید کرد. او یک قربانگاه آشوری را به معبد اورشلیم آورد.

و بنابراین، اعتماد به ملت‌های دیگر به همان اندازه نوعی بت‌پرستی بود که پرستش خدایان آنها. و آن تصویر و آن استعاره در فصل دوم، آیه ۱۸، به متن راه پیدا می‌کند. خداوند به مردم می‌گوید، و حالا، با رفتن به مصر و نوشیدن آب نیل چه چیزی به دست می‌آوردید؟ یا با رفتن به آشور برای نوشیدن آب فرات چه چیزی به دست می‌آوردید؟ حالا، من دقیقاً مطمئن نیستم که آیا کسی واقعاً می‌خواهد آب رودخانه بنوشد، اما تصویر اینجا این است که اعتماد به این ملت‌ها و اتحادهای سیاسی دیگر مانند نوشیدن آب آن ملت‌ها بود.

همانطور که داشتم در مورد ازدواج و در پرتو کل مسئله بت‌پرستی در اینجا فکر می‌کردم، به فصل پنجم امثال، آیه ۱۵، برگشتم، جایی که پدر به پسر در مورد زن زناکار هشدار می‌دهد. او می‌گوید، از چشمه خودت

آب بنوش. و بنابراین، به یک معنا، در این متن اتهام زنا وجود دارد زیرا به جای نوشیدن آبی که خداوند در رابطه‌شان برایشان فراهم کرده بود، به جاهای دیگری می‌رفتند.

بنابراین، تصویر آب در فصل دوم، آیه ۱۳ مطرح می‌شود. شما آب‌های زنده را به خاطر حوض‌های ترک خورده رها کرده‌اید. و سپس در فصل دوم، آیه ۱۸، مانند یک مرد یا زن زناکار، به جای نوشیدن آبی که همسران فراهم کرده است، رفته‌اید و از چشمه‌های دیگر نوشیده‌اید.

بنابراین، پیامبر با استفاده از این تصاویر، می‌خواهد مردم خیانت آنها به خدا را ببینند. و این یک راه مؤثر برای انتقال آن پیام است. کار دومی هم هست که پیامبر قرار است انجام دهد، دوباره، تا مردم را متقاعد کند که گناهکار هستند.

اینجا صحنه‌ی دادگاه است. ما باید اینجا حرفمان را بزنیم. دومین کاری که پیامبر قرار است انجام دهد این است که به طور بسیار مؤثر از یک سری سوالات بلاغی استفاده می‌کند.

والتر بروگمان در مورد این واقعیت صحبت کرده است که در سراسر کتاب ارمیا، سوالات بلاغی روشی مؤثر هستند؛ باز هم، در حالی که پیامبر پیام خود را موعظه می‌کند، باعث می‌شود مخاطب مکث کند و فکر کند. او انتظار ندارد که آنها به صورت شفاهی پاسخ دهند، اما انتظار دارد که این را به قلب خود بپذیرند. بنابراین، به برخی از سوالات بلاغی که در فصل ۲ آمده است گوش دهید. خداوند در ابتدای آیه ۵ می‌گوید: پدران شما چه خطایی در من یافتند که از من دور شدند؟ می‌خواهم بدانم دقیقاً چه چیزی باعث شد پدران شما از من رویگردان شوند؟ و همانطور که واقعاً در مورد این موضوع فکر می‌کنند، باید پاسخ دهند، و هیچ چیز وجود ندارد زیرا خدا کاملاً به ما وفادار بود.

فصل ۲ آیات ۱۰ و ۱۱. مطمئنم که قوم اسرائیل اغلب خود را برتر از ملت‌های بت‌پرست اطرافشان می‌دانستند. ما خدای حقیقی را می‌شناسیم، اما به آنچه پیامبر در اینجا انجام می‌دهد گوش دهید.

او می‌گوید، به ساحل قبرس بروید و ببینید، یا یک قیدار بفرستید و با دقت بررسی کنید. ببینید آیا تا به حال چنین چیزی وجود داشته است. آیا فکر می‌کنید از این ملت‌های دیگر بهتر هستید؟ بروید و ببینید آنها چه می‌کنند.

و سوال اینجاست. آیا ملتی تا به حال خدایان خود را تغییر داده است، حتی اگر آنها خدا نباشند؟ منظورم این است که کدام ملت در خاور نزدیک باستان وفاداری خود را به خدای ملی خود که در منطقه جغرافیایی آنها محافظت و برکت فراهم می‌کرد، رها می‌کند و شروع به پرستش خدایان دیگر می‌کند؟ اما او می‌گوید، اما قوم من جلال خود را به چیزی که سودی ندارد تغییر داده‌اند. منظورم این است که هیچ ملتی که بت‌ها و خدایان دروغین را می‌پرستد، خدایان خود را تغییر نمی‌دهد.

قوم من که خدای یگانه حقیقی را می‌شناسند، جلال خود، جلال خداوند، را با خدایانی که سودی نمی‌رسانند، معاوضه کرده‌اند. فصل ۲، آیه ۱۷. تمام مصیبتی که بر یهودا رفته است، تمام چیزهایی که تجربه کرده‌اند تبعید پادشاهی شمالی قبل از زمان ارمیا، آیا شما این را با ترک کردن خداوند، خدایتان، هنگامی که شما را در راه هدایت می‌کرد، بر خود نیاورده‌اید؟ بسیار خوب، خدا شما را رها نکرده است.

تو خدا را رها کرده‌ای و این شرایط فاجعه‌بار را برای خودت به ارمغان آورده‌ای. فصل ۲، آیه ۲۸. خدایانی که برای خود ساخته‌ای کجا هستند؟ بگذار برخیزند اگر می‌توانند تو را در زمان سختی نجات دهند.

زیرا ای یهودا، به تعداد شهرهای تو، خدایان تو نیز وجود دارند. و باز هم، این ملت‌های دیگر اغلب خدایانی داشتند که به طور خاص با شهرهای خاص یا مناطق جغرافیایی خاصی مرتبط بودند. یهودا به نوعی این دروغ را پذیرفت و به تعداد شهرهایشان خدا دارد.

اما آنها کجا هستند؟ چه نوع محافظتی ارائه داده‌اند؟ بیایید اینجا یک تحلیل مقرون به صرفه انجام دهیم و ببینیم، آیا پرستش این خدایان واقعاً به ما کمک کرده است؟ فصل ۲ آیه ۳۲. آیا یک باکره می‌تواند زیورآلات خود یا یک عروس لباس خود را فراموش کند؟ و همانطور که آن را می‌خوانم، دو دختر دارم که نوجوان یا جوان هستند و عاشق این نمایش‌های واقع‌نما هستند، به لباس بله بگویند، جایی که عروس‌ها تمام این توجه را به خود جلب می‌کنند. آنها صدها یا هزاران دلار برای عروس خود خرج می‌کنند.

آیا عروسی در روز عروسی‌اش لباس عروسی‌اش را فراموش می‌کند؟ آیا به جای این لباس زیبایی که خریده، با شلوار جین آبی حاضر می‌شود؟ مسلماً نه. اما نکته اینجاست. با این حال، مردم من روزهای زیادی است که مرا فراموش کرده‌اند.

و بنابراین، در میان تمام این سوالات لفاظی، یک دادستان خوب مدام برمی‌گردد و از هر طریقی پرونده خود را بارها و بارها مطرح می‌کند. و ما می‌دانیم که گاهی اوقات آنها می‌توانند بسیار پرخاشگر و رک و راست شوند. جرمی پرخاشگر می‌شود، اما او می‌خواهد مردم فکر کنند و تأمل کنند: بله، ما واقعاً گناهکار هستیم.

ما واقعاً از خداوند روی برگردانده‌ایم. بنابراین، پیامبر از تصاویر و استعاره‌ها و همچنین سوالات بلاغی استفاده خواهد کرد.

ایزار سوم، ارمیا است، به عنوان دادستان، همانطور که بحث خود را مطرح می‌کند، همانطور که پرونده خود را پیش می‌برد، از نقل قول‌هایی از خود مردم یهودا استفاده خواهد کرد. اکنون در یک دادگاه آمریکایی شهادت متهم می‌تواند آنقدر قاطع باشد که از آنها در برابر شهادت علیه خودشان محافظت شود. با این حال، کاری که پیامبر قرار است انجام دهد این است که اجازه می‌دهد مردم خودشان شهادت دهند.

و با سخنان خودشان، با شهادت خودشان، خودشان را محکوم خواهند کرد. حال، چیزی که ما به آن نگاه می‌کنیم، وقتی شهادت آنها را می‌بینیم، و وقتی به متن‌های اینجا نگاه می‌کنیم، چیزی که خواهیم دید این است که آنها اغلب چیزهای بسیار متناقضی در مورد خودشان می‌گویند. بیایید به آیه ۲۳ نگاه کنیم.

این نقل قولی از حضار است. چطور می‌توانی بگویی که من نجس نیستم، دنبال عدل‌ها نرفته‌ام؟ پیامبر دارد آنها را تهدید می‌کند. ببین، تو در آیه ۲۰، زیر هر درخت سبزی، مثل یک فاحشه تعظیم کرده‌ای.

در آیه ۲۳، ما چنین نکرده‌ایم. من نجس نیستم. من به دنبال عدل‌ها نرفته‌ام.

آنها دارند به بی‌گناهی خود اعتراض می‌کنند. بسیار خوب، بیایید دو آیه را بررسی کنیم. آیه ۲۵، در وسط آیه.

اما شما گفته‌اید که این ناامیدکننده است، زیرا من عاشق بیگانگان بوده‌ام و پس از آنها خواهم رفت. و اینجا، آنها خود را به عنوان زنان حشری درمانده به تصویر می‌کشند. آنها نمی‌توانند جلوی خودشان را بگیرند.

آنها به دنبال بیگانگان و خدایان بیگانه رفتن معتاد شده‌اند. آیه ۲۳، من دنبال عدل‌ها نرفته‌ام. آیه ۲۵، نمی‌توانم جلوی خودم را بگیرم.

ما باید این کار را انجام دهیم. آیه ۲۷، دو آیه بعد، به درخت می‌گویی، تو پدر من هستی، و به سنگ می‌گویی، تو مرا به دنیا آوردی. صحبت از پرستش بت‌ها و رابطه‌ای است که آنها با آنجا دارند

اما سرانجام، در آیه ۳۵، به اعتراض برمی‌گردیم. با این حال، شما می‌گویید که من بی‌گناه هستم، و مطمئناً خشم او از من برگشته است. منظورتان از اینکه ما گناهکار هستیم چیست؟ من بی‌گناه هستم

چرا خدا باید از ما خشمگین باشد؟ و بنابراین، خداوند می‌گوید، بنگرید، من شما را به خاطر گفتن اینکه گناه نکرده‌ام، به داوری خواهم کشاند. و بنابراین، در سراسر کتاب ارمیا، یکی از چیزهایی که خواهیم دید این است که مردم انواع و اقسام حرف‌های نادرست را به خداوند خواهند گفت. ما گناه نکرده‌ایم

ما توبه نخواهیم کرد. فصل ۴۴، آخرین سخنان یهودا به ارمیا نبی، ما به عهد خود با خدایان بیگانه پایبند خواهیم ماند. اما تصور کنید که در حالی که کتاب ارمیا را می‌خوانید، و در نهایت در فصل‌های ۳۱ تا ۳۳ در بخش بازسازی، آنها گریان نزد خداوند خواهند آمد و به او اعتراف خواهند کرد که ما گناه کرده‌ایم

ما عهد را شکسته‌ایم، و خدا در نهایت آنها را به آن مکان هدایت خواهد کرد. اما همانطور که در فصل دوم هستیم، آنها می‌گویند که ما نمی‌فهمیم شما در مورد چه چیزی صحبت می‌کنید. ما بی‌گناه هستیم

ما دنبال عدل‌ها نرفته‌ایم، اما هنوز این شواهد متناقض وجود دارد. به درخت می‌گویند تو پدر من هستی؛ به سنگ می‌گویند تو مرا به دنیا آورده‌ای. ما نمی‌توانیم جلوی خودمان را بگیریم

ما باید به دنبال خدایان دیگر برویم. بنابراین، نقل قول‌های متناقضی از خود مردم وجود دارد که در نهایت آنها را نفرین و محکوم می‌کند. در نهایت، یکی از ترفندهای دیگری که پیامبر در این متن برای متقاعد کردن بنی‌اسرائیل به گناهشان استفاده خواهد کرد، این است که او از بازی با کلمات استفاده خواهد کرد

و اغلب به یاد دارید، همانطور که پیامبران موعظه می‌کردند، این پیام‌ها را به صورت شفاهی موعظه می‌کردند. آنها اغلب از شعر در سطرهای موازی استفاده می‌کردند. و بنابراین، برای واضح‌تر کردن پیام، اغلب از بازی‌های ظریف با کلمات استفاده می‌کردند

گاهی اوقات، ما این کار را با جناس یا از این قبیل کارها انجام می‌دهیم. و در واقع در این فصل، در ارمیا فصل دوم، چند بازی با کلمات وجود دارد که می‌خواستم توجه شما را به آنها جلب کنم. در فصل دوم، آیه پنجم، آمده است، و باز هم، ما قبلاً به این آیه نگاه کرده‌ایم، اما در اینجا عنصر دیگری وجود دارد

پدران شما چه خطایی در من یافتند که از من دور شدند؟ و سپس سطر آخر می‌گوید، و آنها به دنبال پوچی است. این کلمه در کتاب جامعه نیز آمده است، پوچی، hevel، بی‌ارزشی رفتند. کلمه عبری آنجا پوچی‌ها، بطالت

آنها با دنبال کردن خدایان دیگر، به دنبال پوچی رفتند و بی‌ارزش شدند. آنها تبدیل به هول شدند. بنابراین آنها هول، باد، پشمک که فوراً تبخیر می‌شود را دنبال کردند

و در این فرآیند، آنها شبیه چیزی شدند که می‌پرستیدند. آنها خودشان هم شیطان شدند. باز هم، یک بازی با کلمات دیگر که اساساً بر اساس همان ایده بنا شده است، در فصل دوم، آیه هشتم یافت می‌شود

کاهن نگفت، خداوند کجاست؟ کسانی که شریعت را اجرا می‌کنند مرا نمی‌شناسند. مشکل از رهبران روحانی آنهاست. چوپانان به من خیانت کردند

و اینجا نوبت بازی با کلمات است. پیامبران به وسیله ی بعل، بعل به زبان عبری، نبوت می کردند. و آنها به دنبال چیزهایی می رفتند که سودی نداشت، یعل، فعلی که در آنجا به کار رفته است.

و بازی کلمات بین بعل و یعل، صدای بسیار نزدیک و مشابهی که در آنجا وجود دارد، به آنها یادآوری می کند که بعل واقعاً چیست. او خدایی بی ارزش است. آنها معتقدند که او خدای طوفان است.

او خدایی است که قرار است ما را برکت دهد. او خدایی است که قرار است برای ما رفاه به ارمغان بیاورد. نه، او خدایی است که شما را به ورطه بی ارزشی خواهد کشاند.

و آن ایده و آن کلمه آنقدر مهم است که دوباره در فصل دوم، آیه ۱۱ تکرار می شود. آیا ملتی خدایان خود را تغییر داده است، حتی اگر آنها خدا نباشند، اما قوم من جلال خود، کاوود، جلال خدا را به چیزی که به نفع یعل نیست، تغییر داده اند. و بنابراین، بازی با کلمات بین بعل و یعل، آنها هول را پرستش کردند، آنها هول شدند.

من فکر می کنم که جوهره این پیام واقعاً همین است. بت پرستی برای اسرائیل، برای ما، نه تنها اشتباه است. نه تنها از نظر اخلاقی شر است.

این احمقانه است. این یک روش زندگی بی فایده است، چون شما به هر چیزی غیر از خدا اعتماد می کنید، خدمت می کنید، عشق می ورزید و فداکاری می کنید. در نهایت، این به ناامیدی ختم می شود.

حالا، یک نمونه دیگر از بازی با کلمات نبوی، آوردن یک کتاب نبوی دیگر است. ما یکی از این موارد را در سرود تاکستان در اشعیا ۵ داریم، و فکر می کنم این یکی از موارد مورد علاقه من است. خداوند در آنجا اسرائیل را به یک تاکستان بی وفا یا بی ثمر تشبیه می کند.

و می گوید، پیامبر در این سرود می گوید، او می گوید، خداوند به دنبال انگورهای خوب، برای آنوویم، بود، اما در عوض آنچه به دست آورد، انگورهای وحشی سخت و ترش، بت اوسیم، بود که بی ارزش بودند. خداوند از قوم خود به دنبال میثبات، برای عدالت بود. و در عوض، آنچه از آنها گرفت میثپک بود، که به معنای خونریزی و خشونت است.

خداوند انتظار داشت که قومش، به خاطر تمام آنچه که در آنها سرمایه گذاری کرده بود، پارسایی، یعنی صدقه، را به بار آورند. اما در عوض، آنچه از قومش دریافت کرد صدقه بود، که فریادهای پریشانی به دلیل ظلم ثروتمندان به فقرا بود. نکته ای که از طریق این کلمه بیان می شود، بسیار مؤثر است، می توانید آن را بشنوید.

خداوند آنچه را که از سرمایه گذاری خود انتظار داشت، دریافت نکرد. وقتی خداوند روی قوم خود سرمایه گذاری می کند، انتظار بازگشت دارد. و به جای اینکه پس از این همه زمان و تلاش، آنچه را که تولید کرده بود، به دست آورد، دقیقاً نتیجه ی عکس آن را دریافت کرده است.

و نکته ای که در ارمیا ۲ آمده بسیار مشابه است. خداوند اسرائیل را از هر نظر برکت داد، آنها را به سرزمینی حاصلخیز آورد و هر آنچه را که می توانستند تصور کنند به آنها داد. آنها چه ایرادی می توانند به خدا بگیرند؟ با این حال، کاری که مردم کرده اند این است که همه اینها را گرفته اند و به بی ارزشی روی آورده اند.

فکر می‌کنم این موضوع در نهایت ما را به این بخش از کتاب ارمیا می‌رساند. پیام اینجا، نتیجه‌گیری از دعوی این است که اولاً، یهودا کاملاً گناهکار است. آنها می‌توانند اعتراض کنند، می‌توانند هر چه می‌خواهند بگویند. من بی‌گناه هستم، من نیستم:

آنها آشکارا عهد را زیر پا گذاشته‌اند و آشکارا به خداوند به عنوان همسر خود خیانت کرده‌اند. گناه آنها غیرقابل انکار است. ما این را از همان ابتدا می‌بینیم.

و به همین دلیل، در سراسر کتاب ارمیا، خدا آنها را داوری خواهد کرد. خشم شدید خداوند تا زمانی که آنچه را که گفته است انجام خواهد داد، به انجام نرساند، فرو نخواهد نشست. اما کاری که خداوند قبل از وقوع این داوری نیز سعی در انجام آن دارد، این است که می‌خواهد مردم بیهودگی انتخاب‌های خود را درک کنند.

و اگر آنها پوچی پرستش بت‌ها را درک کنند، اگر این را بفهمند، ببینید، بت‌پرستی فقط اشتباه نیست. خدا فقط به شما نگفت که بعل را پرستش نکنید چون می‌خواست شما را از آن بازدارد. بت‌پرستی احمقانه است.

احمقانه است. اعتماد به هر چیزی منبع نهایی امنیت شماست. این کار جواب نخواهد داد.

و بنابراین، در سراسر این فصل، شعار این فصل، نکته‌ی فصل، این است که بت‌پرستی بیهوده است. روی گرداندن از خدا و اعتماد به هر چیز دیگری در نهایت برای شما کارساز نخواهد بود. فصل دوم، آیه ۱۳ دوباره، آنها حوض‌های شکسته‌ای کنده‌اند که نمی‌توانند آب را در خود نگه دارند.

در دو نیمه فصل دوم ارمیا، نیمه اول از آیه ۱۸ شروع یا پایان می‌یابد. و دوباره، آن بخش در مورد اینکه چگونه آنها به دنبال اتحاد‌های خارجی به همراه خدایان خارجی بوده‌اند. و فصل دوم، آیه ۱۸ می‌گوید، و حالا با رفتن به مصر برای نوشیدن آب نیل چه چیزی به دست می‌آوردید؟ یا با رفتن به آشور برای نوشیدن آب فرات چه چیزی به دست می‌آوردید؟ چه ارزشی در این وجود دارد؟ ما با همین ایده در انتهای نیمه دوم فصل دوم، جایی که این را می‌گویید، در انتهای فصل در آیه ۳۶، نتیجه‌گیری می‌کنیم: چقدر به دنبال تغییر راه خود هستید.

شما یک روز با این مردم متحد می‌شوید؛ روز دیگر با این مردم متحد می‌شوید. می‌گویید که شما توسط مصر شرمند خواهد شد، همانطور که توسط آشور شرمند شدید. زیرا از آنجا نیز با دستان خود بر سرتان بیرون خواهید آمد، زیرا خداوند کسانی را که به آنها اعتماد دارید رد کرده است و شما توسط آنها موفق نخواهید شد.

بنابراین، در این متن، محکومیت بت‌پرستی آنها و بیهودگی آن وجود دارد. این محکومیت با اظهاراتی در مورد بیهودگی اتحاد‌های سیاسی آنها، جایی که آنها با ملت‌هایی که این خدایان را می‌پرستند، متحد شده‌اند، همراه شده است. و بخش اول فصل با این جمله به پایان می‌رسد: چرا به مصر می‌روید؟ چرا به آشور می‌روید؟ و سپس، در پایان فصل، شما توسط مصر و آشور شرمند خواهید شد.

این ملت‌هایی که با آنها متحد می‌شوید، در واقع همان‌هایی هستند که قرار است مجازات شما را اجرا کنند. پس این کار را نکنید. از خدا روی برگردانید.

در فصل دوم، آیه سوم، دوباره به ایده بطالت اشاره می‌شود. خداوند با اسرائیل به عنوان نوبر خود رفتار کرد. آنها منحصراً متعلق به او بودند.

و می‌گوید هر کسی که آن محصولات را می‌خورد، هر کسی که به اسرائیل دست می‌زد، خدا او را می‌خورد. اما مشکل این بود که وقتی آنها از خداوند روی برگرداندند، خداوند دست خود را از آنها برداشت. او دیگر از آنها به عنوان اولین میوه‌هایشان محافظت نکرد.

و در نتیجه آن، آنها به برده‌ای تبدیل شدند که توسط دشمنانشان به بردگی و ظلم کشیده شدند. در فصل دوم، آیه هفتم، خداوند می‌گوید: «من شما را به سرزمینی پر بار آوردم تا از میوه‌ها و چیزهای خوب آن لذت ببرید. این سرزمینی است که با شیر و عسل جاری است».

خدا می‌خواست که آنها از تمام آن فراوانی لذت ببرند. اما سپس آیه می‌گوید، اما وقتی وارد شدید، سرزمین مرا آلوده کردید و میراث مرا به پلیدی تبدیل کردید. آنها این مکان نیکو را که خدا به او داده بود، ویران کردند.

و بنابراین، آیه ۱۵ می‌گوید، شیران بر او غرش کرده‌اند. آنها با صدای بلند غرش کرده‌اند. آنها سرزمین او را ویران کرده‌اند.

شهرهای او ویرانه و بدون سکنه هستند. بنابراین، تصویر متضاد را اینجا تصور کنید. تصویر سرزمینی که پر از شیر و عسل است.

خداوند می‌گوید، می‌خواهم شما وارد شوید و از شهرها و خانه‌ها و تاکستان‌ها و محصولات کشاورزی و همه این چیزهایی که شما حتی نساخته‌اید یا نکاشته‌اید، لذت ببرید، اما من فقط آنها را به عنوان هدیه به شما می‌دهم. اما با روی آوردن به بعل و فکر کردن به اینکه بعل قرار است منبع امنیت آنها باشد، در نهایت زمین را به بیابان تبدیل کرده‌اند. فصل دوم، آیه دوم می‌گوید که آنها در بیابان از خداوند پیروی کردند.

آیه ششم می‌گوید که خداوند آنها را در بیابان هدایت کرد. اما سپس، در فصل دوم، آیه ۳۱، خداوند از آنها خواهد پرسید، چگونه است که من برای اسرائیل به بیابان یا سرزمین تاریکی غلیظ تبدیل شده‌ام؟ بنابراین، در ابتدای فصل، با تکرار وفاداری به عهد خدا، خداوند آنها را از بیابان بیرون آورد. خداوند آنها را از سرزمین تاریکی عمیق بیرون آورد، جایی که آنها به من وابسته بودند تا چیزی باشد که آنها را تغذیه کند.

و با این حال آنها از خدا روی گرداندند، و خدا برای آنها به بیابان و سرزمینی تاریک و عمیق تبدیل شد. در سراسر این فصل، خدا در تلاش است تا به مردم کمک کند تا پوچی انتخاب‌هایی را که کرده‌اند ببینند. فصل دوم، آیه ۲۷، دوباره به موضوع بت‌پرستی برمی‌گردد، شما به یک درخت می‌گویید، تو پدر من هستی، به یک سنگ می‌گویید، تو مرا به دنیا آوردی.

اما خدایان شما کجا هستند؟ چگونه قرار است شما را نجات دهند؟ در نتیجه این، ما متوجه می‌شویم که خداوند فقط قوم خود را برای صدور حکم به دادگاه نیاورد. خداوند قوم را به دادگاه آورد تا در نهایت، راه خود را تغییر دهند. او به آنها فرصت توبه می‌دهد.

خداوند هنوز با قوم خود کار می‌کند. و من فکر می‌کنم این اغلب کاری است که خداوند هنگام آوردن قوم خود به دادگاه انجام می‌دهد. در میگاه، فصل ششم، خداوند از ما چه می‌خواهد؟ آیا منظور همه این قربانی‌های سخاوتمندانه‌ای است که می‌توانیم به خداوند تقدیم کنیم؟ آیا حتی می‌توانیم اولین میوه بدن خودمان را تقدیم کنیم؟ نه، آنچه خداوند از شما می‌خواهد این است که عدالت را رعایت کنید، رحمت را دوست داشته باشید و با فروتنی با خدای خود رفتار کنید.

، و اگر این کارها را انجام دهید، خداوند از شما محافظت خواهد کرد. اشعیا مردم را به دادگاه فرا می‌خواند، اشعیا فصل اول. او می‌گوید، ای آسمان بشنو، ای زمین گوش کن

خداوند فرزندان سرکش را بزرگ کرده و پرورش داده است. او آنها را بزرگ کرد. او به آنها وفادار بود

آنها علیه او شورش کردند. خداوند با آن چه باید بکند؟ خداوند در مورد آن چه باید بکند؟ قانون گفته بود که یک پسر سرکش باید کشته شود. اما در پایان آن سخنرانی داوری و در پایان آن صحنه محاکمه، خداوند می‌گوید، اکنون بیایید و بیایید با هم استدلال کنیم

اگرچه گناهانت سرخ باشند، من حاضرم تو را مثل برف سفید کنم. تو غرق در خون هستی. تو گناهکاری

قاضی می‌گوید که من حکم را علیه تو صادر می‌کنم. اما قبل از آن، بیایید در اتاق من همدیگر را ببینیم. بیایید با هم استدلال کنیم.

اگر راه خود را تغییر دهید، به شما اجازه می‌دهم زنده بمانید و شما را برکت خواهم داد. ارمیا نبی دقیقاً همین کار را اینجا انجام می‌دهد. او آنها را به دادگاه می‌آورد

او می‌گوید، بدون شک، اسرائیل گناهکار است. آنها همسری بی‌وفا هستند. آنها علیه خداوند زنا کرده‌اند

اما اگر به پوچی راه‌های خود پی ببرند و به سوی من بازگردند، آنها را از داوری رهایی خواهم داد. صحنه دادگاه در فصل دوم ارمیا واقعاً ما را با مبارزه‌ای که کل کتاب ارمیا درباره آن است، یعنی طرح کلی کتاب، آشنا می‌کند. و وقتی یهودا توبه نکند، وقتی یهودا گناه خود را نپذیرد، وقتی راه خود را تغییر ندهد، در نهایت داوری فرا خواهد رسید

اما در اینجا، در ابتدا، فرصتی برای آنها وجود دارد که به دادگاه بیایند و با قاضی در اتاقش ملاقات کنند و در نهایت راه خود را تغییر دهند و از قضاوت در امان بمانند

این دکتر گری یتس در دوره آموزشی خود در مورد ارمیا است. این جلسه ۹، ارمیا ۲، اختلاف خداوند با اسرائیل است